

سهم زبان اردو در همگرایی مسلمانان شبه قاره هند پیش از تجزیه

وفا یزدان‌منش^۱

(دریافت مقاله: ۹۷/۰۴/۳۰، پذیرش نهایی: ۹۷/۰۷/۲۵)

چکیده

تا چندین سده پس از ورود مسلمانان به شبه قاره هند، زبان‌های عربی و فارسی به ترتیب زبان دینی و دیوانسالاری مسلمانان بودند. البته نفوذ و گسترش زبان فارسی در این سرزمین در دوره اسلامی، با هیچ زبان دیگری قابل مقایسه نیست. با این حال این زبان‌ها با زبان‌های محلی و عمومی رایج در مناطق مختلف هند نیز در ارتباط بودند و میان آنها داد و ستد و وام‌گیری وجود داشت. برخی از زبان‌های محلی عناصری از زبان‌های فارسی و عربی و گاه ترکی از جمله رسم‌الخط عربی را پذیرفتند. نتیجه این تعاملات در کنار شرایط اجتماعی و سیاسی و زبانی دیگر، موجب پدیدار شدن زبانی تازه در هند شد که بعدها اردو نام گرفت. به موازات ضعف زبان فارسی در هند در قرن دوازدهم و سیزدهم به‌ویژه پس از قیام سراسری ۱۸۵۷، زبان اردو به‌تدریج قدرت و قوت گرفت و به زبان دینی، مذهبی و علمی و اجتماعی مسلمانان و نماد مسلمانی تبدیل و زبان نخست بسیاری از ادیبان و فعالان دینی و سیاسی چون سرسید احمدخان، ظفرعلی‌خان، ابوالکلام آزاد، محمد علی جناح و اقبال لاهوری شد و در نهایت جایگزین زبان فارسی گردید. این مقاله، با مطالعه تاریخچه مختصر شکل‌گیری و رونق زبان اردو در مناطق مختلف هند، نقش این زبان را در اتحاد و همگرایی مسلمانان به‌ویژه از میانه قرن نوزدهم به بعد بررسی کرده است.

کلید واژه: زبان اردو، شبه قاره هند، قیام ۱۸۵۷، مسلمانان هند

۱. استادیار گروه اردو، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران؛

Email: v.yazdanmanesh@ut.ac.ir

مقدمه

پس از ظهور اسلام مسلمانان از سده نخست هجری به سرزمین هند رفت و آمد داشتند و بدین ترتیب، اسلام و به تبع آن فرهنگ اسلامی در هند نفوذ یافت. گروه‌های مختلف مسلمان از طبقات گوناگون چون نظامیان، بازرگانان، علما و صوفیان، با اهداف متفاوت به هند مهاجرت کردند و موجب پدید آمدن تغییرات اساسی در حوزه‌های مختلف حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هند شدند. از جمله مهم‌ترین این تحولات شکل‌گیری زبان اردو بود که در گذر زمان به عنوان زبان رسمی مسلمانان هند جایگزین زبان فارسی شد و برای چند سده به یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد پیوند بین مسلمانان سراسر هند تبدیل شد. عوامل متعدد تاریخی، سیاسی و قومی در شکل‌گیری و گسترش زبان اردو، نقش داشتند. حضور مسلمانان در مناطق مختلف موجب شد تا زبان‌های فارسی، ترکی و عربی به عنوان زبان‌های مورد استفاده مسلمانان ساکن در هند با زبان‌های محلی مردمان هند در هم آمیخته شوند که حاصل آن پس از چند سده، ایجاد زبانی بود که در گفتار با اندکی تفاوت همان زبان هندی و در نوشتار نیز با زبان‌های عربی و فارسی یکسان بود. به‌نوشته هاشمی (۳۷) «زمانی که در شمال هند، این زبان جدید، بی‌نام و نشان بود، در دکن با نام زبان دکنی، شناخته شد تا این‌که به‌مرور زمان، در شمال هند نیز با نام‌های ریخته^۱، اردو و اردوی معلی شناخته شد». مبنا و زیربنای زبان اردویی که در دربار بابرین پدید آمد و به اردوی معلی مشهور شد، زبان فارسی بود که با اضافه شدن واژگان و اصطلاحات شمالی و بومی شکل گرفت. اما در جنوب هند، مبنا و اساس زبان اردو، زبان‌های محلی بود که با اضافه شدن واژگان و اصطلاحات فارسی شکل گرفت. از این‌رو زبان اردو را می‌توان یکی از نمودهای فرهنگی مسلمانان در شبه قاره هند دانست که در تاریخ اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار است و مسلمانان در ایجاد آن نقش مهمی داشتند. در پژوهش پیش رو با بررسی عوامل و روند شکل‌گیری زبان اردو، نقش آن در ایجاد همگرایی و هویت واحد برای مسلمانان هند مطالعه خواهد شد.

۱. ریخته اصطلاحی است در موسیقی، نخست به‌شعری گفته می‌شد که تلفیقی از موسیقی هندی و فارسی بود. سپس گونه‌های دیگر به‌ریخته افزوده شد، همانند بیت شعری که یک پاره آن فارسی و پاره دوم هندی بود؛ ابیاتی که در آن‌ها واژگان فارسی، افعال فارسی و آرایه‌های ادبی فارسی به‌کامیابی رفت.

۱. شکل‌گیری زبان اردو

ورود مسلمانان به هند موجب پدید آمدن تحولات گوناگونی در این سرزمین شد که مهم‌ترین آن در حوزه زبان و به‌ویژه زبان اردو بود. نظرات متفاوتی درباره خاستگاه زبان اردو و زمان شکل‌گیری آن وجود دارد. نصیرالدین هاشمی خاستگاه زبان اردو را دکن و زمان شکل‌گیری آن را پیش از ورود اسلام به هند دانسته است. در حالی که سید سلیمان ندوی، معتقد است پس از فتوحات محمدبن قاسم ثقفی در سند، در نتیجه پیوند زبان عربی با زبان سندی، زبان اردو شکل گرفت. حافظ محمود شیرانی، ایالت پنجاب را زادگاه زبان اردو دانسته است. به‌زعم وی همزمان با فتوحات غزنویان و سپس غوریان در این منطقه، زبان فارسی و ترکی با زبان پنجابی تلفیق شد و زبان اردو ایجاد شد. پس از فتح دهلی به دست قطب‌الدین ایبک در سده ششم قمری، و ایجاد نخستین حکومت‌های مسلمان - سلاطین دهلی - این زبان وارد دهلی شد و پس از تلفیق با زبان مردمان دهلی رونق پیدا کرد (غلام‌حسین، ۶۳-۶۹). وجه اشتراک همه این نظریه‌ها این است که زبان اردو از پیوند زبان‌های مورد استفاده مسلمانان با زبان‌های بومی و محلی ساکنان هند پدید آمد.

پس از شکل‌گیری حکومت‌های مسلمان در مناطق مختلف هند، زبان اردو نیز مورد توجه قرار گرفت و گسترش یافت. همزمان با حکومت جانشینان بهمنی (حک ۷۴۸-۹۳۳) یعنی سلاطین قطب‌شاهی (۹۱۸-۱۰۹۸)، عادل‌شاهی (حک ۸۷۶-۱۰۹۶)، نظام‌شاهی (حک ۸۹۶-۱۴۹۰)، عمادشاهی (حک ۸۹۰-۹۸۰) و بریدشاهی (حک ۸۹۷-۱۰۲۸)، زبان اردو یا به‌عبارتی اردوی دکنی در آثار منثور و منظوم رواج بسیاری پیدا کرد و به‌نوشته احتشام حسین (۱۸) در سده هشتم و نهم قمری در جنوب هند این زبان جدید را هندی یا هندوستانی و گاهی نیز دکنی (دکهنی) می‌نامیدند و سپس تقریباً تا سده دوازدهم قمری این زبان، ریخته یا هندی خوانده می‌شد. در واقع زبان اردو ابتدا به صورت یکی از گویش‌های مردمان هند در سده پنجم قمری شکل گرفت و سپس طی سده‌ها تکامل پیدا کرد و در نهایت در سده دوازدهم قمری به صورت یک زبان در آمد (ظفر، ۱۲۱؛ سکسینه، ۲۵؛ فاروقی، ۵۸-۵۹).

۲. صوفیان و گسترش زبان اردو

صوفیان نقش مهمی در گسترش اسلام در هند داشتند. آنها برای همدلی با مردم و

برقراری ارتباط با بومیان، به‌یادگیری زبان‌های بومی روی آوردند. صوفیان برای جلب بومیان، از زبان شعر بهره بردند و برای تأثیرگذاری بیشتر، از واژگان محلی نیز استفاده کردند. از مشهورترین شاعرانی که واژه‌های بومی در اشعارش به‌کار برد، امیر خسرو دهلوی است. پس از او شاهد اشعار صوفیانی چون بوعلی قلندر و حمیدالدین ناگوری هستیم که موجب رواج واژگان و اصطلاحات بومی به‌ویژه هندی در زبان فارسی شدند. به مرور زمان، این روند گسترش بیشتری پیدا کرد و مردمان بسیاری به‌تصوف گرویدند (جالبی، ۱۳۹۴/۲). در چنین شرایطی بود که صوفیان از زبان اردو برای بیان عقاید خودشان بهره بردند و زبان اردویی را که هنوز نوپا بود و کسی به‌آن به‌عنوان زبان ادبی توجه نشان نمی‌داد؛ برای شعر، سخن و آموزش‌های دینی و علمی استفاده کردند. اگرچه این بزرگان به عنوان شاعر و ادیب مطرح نبودند یا دست‌کم به‌تکامل این زبان نمی‌اندیشیدند و فقط هدف آن‌ها هدایت و راهنمایی مردم بود، ولی ناخواسته باعث غنی شدن این زبان شدند و با گذشت زمان، آن را توسعه دادند و دیگران را به سرودن و نگارش به این زبان تشویق کردند (عبدالحق، ۱۳۹۴). نخستین نثر صوفیانه نوشته شده به زبان اردو *معراج العاشقین* از سید محمد حسینی گیسودراز بنده‌نواز، از صوفیان مشهور دهلی بود که در ۸۰۲ قمری، برای تبلیغ طریقت خود به گلبگره پایتخت سلسله بهمنیان در دکن رفت (احتشام حسین، ۱۳۹۴/۲). افزون بر وی، شاه برهان‌الدین جانم و امین‌الدین اعلی نیز آثارشان را به زبان اردوی دکنی نگاشتند. به‌علاوه آثار نیز به نظم، به‌زبان اردو نوشته شد و شاعران صوفی، زبان اردو را برای برقراری ارتباط با مردم برگزیدند. شاه‌ملک، مختار، قدرتی، کریم، غواصی، مقیمی، نصرتی و ملک خشنود از جمله برجسته‌ترین صوفیان شاعر در این دوره بودند. در سده دوازدهم قمری متون نثر به‌زبان اردو، ابزاری برای تبلیغ و ترویج علوم دینی شدند و بیشتر کتاب‌های علمای مسلمان، شامل ترجمه و تفسیر قرآن، تصوف و مجالس ایام محرم به اردو نوشته شد. به‌علاوه مبلغان مسیحی با ترجمه کتاب مقدس به‌زبان اردو و تألیف فرهنگ‌های لغت و کتاب‌های دستور زبان، به ارویج زبان اردو کمک کردند (جالبی، ۱۳۹۴/۲).

۳. زبان اردو در دکن

منطقه دکن در دوره علاءالدین خلجی (۶۷۵-۷۱۶) و سپس محمدبن تغلق (حک ۷۲۵-۷۵۲) ضمیمه قلمرو مسلمانان شمال هند شد. محمدبن تغلق، شهر دولت‌آباد در

دکن را به عنوان پایتخت برگزید و مردم، علما، صوفیان و نظامیان را به رغبت یا اجبار به این شهر کوچاند (هاشمی، ۳۶-۳۷). این اقدام وی موجب شد که زبان و فرهنگ رایج در دهلی، به جنوب هند نفوذ کند. در دوره حکومت بهمنیان در جنوب هند نیز بسیاری از دانشمندان، سیاستمداران، بازرگانان، صوفیان و شاعران از شمال هند و دیگر مناطق به دکن مهاجرت کردند. در نتیجه، دکن، محل تلاقی و برخورد زبان‌های مختلف مهاجران با زبان‌های بومی و محلی شد (معصومی، ص ۱۴۳-۱۴۴). مهاجرانی که در این دوره از ایران و سرزمین‌های عربی به دکن وارد شدند و نام غریبان (غربا) یا آفاقی‌ها به خود گرفتند، اغلب از سادات و شیعیان بودند. این گروه به‌زودی مسولیت‌های مهمی در میان سپاه و نیز در شئون مختلف سیاسی و اداری بر عهده گرفتند و برخی از آنان به مناصب مهم و تأثیرگذاری دست یافتند. تأثیر و نفوذ این مهاجران، سلاطین بهمنی را وادار می‌کرد که به این گروه و نیز سایر شیعیان و سادات که از دیگر مناطق به دکن مهاجرت کردند، توجه ویژه‌ای نشان دهند. در واقع، سادات مهاجر از ایران و سرزمین‌های عربی به دکن در این دوره، اولین هسته‌های تشیعی را که پس از بهمنیان به صورت مذهب رسمی اکثر مناطق دکن درآمد، تشکیل دادند (همو، ۱۶۳). پس از پایان حکومت بهمنیان و شکل‌گیری حکومت قطب‌شاهیان و عادل‌شاهیان در گلکنده و بیجاپور، به سبب توجه حاکمان این دو سلسله به ادبیات، شاعران و ادیبان مناطق مختلف دکن، برای رشد توانایی‌های هنری خود به دربار آنان پیوستند و این موضوع موجب شکوفایی بیشتر زبان اردو شد. در این دوره محمدقلی قطب‌شاه (۱۵۸۰-۱۶۱۱)، اولین شاعر صاحب دیوان اردو، اشعار خود را با فرهنگ عامه دکن می‌آراست. همچنین، شاعران بسیاری همانند نصرتی و غواصی تلاش کردند تا با آثار ادیبان فرهنگ اسلامی را با فرهنگ دکنی، درهم بیامیزند. متون نثر اردو نیز با الهام و ترجمه متون فارسی مورد توجه قرار گرفت. مرحله دیگر از شکوفایی زبان اردو در اواخر سده یازدهم قمری آغاز شد. اورنگ زیب، دکن را به تصرف خود در آورد و بدین ترتیب، بین دهلی و اورنگ‌آباد ارتباط فرهنگی برقرار شد (غلام حسین، ۸۶). ارتباطات فرهنگی بین شمال و جنوب و تبلور زبان اردو در سروده‌های شاعر نامدار دکن، ولی دکنی بازتاب پیدا کرد. دیوان اردوی وی در آغاز سده سیزدهم، نقطه عطفی در ادبیات آن دوره به شمار می‌رود. (انور سدید، ۱۶۲-۱۸۳).

۴. زبان اردو در دهلی

با رسیدن دیوان ولی دکنی به شمال هند، شاعرانی که پیش‌تر، به پارسی شعر می‌سرودند، سرودن اشعاری به زبان اردو را آغاز کردند. سراج‌الدین خان آرزو (درگذشته ۱۱۶۹) شاعر فارسی‌سرا نیز از این جنبش ادبی حمایت کرد و در برگزاری مشاعره به زبان اردو (ریخته)، نقش مهمی در گسترش این زبان در دهلی ایفا کرد و در نهایت زبان اردو جای زبان فارسی را در ادبیات و شعر گرفت (ملک حسن، ۷۶، ۸۱). شاعران تا سده سیزدهم قمری، در اصلاح زبان اردو کوشیدند. "شعر اردو از یک سو عناصر و فرهنگ زبان فارسی و هندی را دربرداشت و از سوی دیگر آموزه‌های دینی و فرهنگی مسلمانان را. شاعرانی چون، میر تقی میر (درگذشته ۱۲۲۵)، میرزافعی سودا (درگذشته ۱۱۹۵)، محمدابراهیم ذوق (۱۲۷۰) و اسدالله‌خان غالب (درگذشته ۱۲۸۶)، در تکمیل زبان اردو در دهلی نقش مهمی داشتند. در مواردی چون وامگیری و برابرسازی اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و مصدرهای مرکب، از زبان فارسی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم الگوبرداری شد. در بیان منظوم آموزه‌های دینی نیز زبان اردو به شدت از فارسی تأثیر پذیرفت. سروده‌های خواجه میر درد (درگذشته ۱۱۹۹)، بهترین نمونه برای این نوع تأثیرپذیری به شمار می‌رود (یزدان منش، تأثیر زبان، شعر...، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴). بهادر شاه ظفر (حک ۱۲۵۳ - ۱۳۵۷) آخرین پادشاه بابرین، که خود شاعر بود و به فارسی و اردو شعر می‌سرود، نیز از شاعران اردوسرای حمایت می‌کرد. پیش از وی، شاعران در دربار پدرش اکبرشاه ثانی (حک ۱۲۲۱ - ۱۲۵۳)، حضور می‌یافتند و با سرودن قصیده‌هایی در مدح درباریان، صله دریافت می‌کردند (سکسینه ۱۶۲ - ۱۶۳). همچنین، قصیده‌های مذهبی و منقبت‌هایی که در وصف امام علی (ع) و دیگر معصومان (ع) در این دوره سروده شده‌اند، از شاهکارهای ادبی زبان اردو محسوب می‌شوند. (جالبی، ۶۸۵/۲ - ۶۸۶، ۶۴۲ - ۶۴۳) بدین ترتیب، با گسترش زبان اردو، از سده سیزدهم به بعد، ادبیات اردو، دامنه نفوذ خود را از مناطق شمالی و جنوبی، به سراسر هند گسترش داد و زبان همه مسلمانان و موجب ایجاد هویت و وحدت میان آنها شد.

۵. زبان اردو در اوده

ایالت اود (اوده)، تا پیش از سده دوازدهم، از زبان فارسی و فرهنگ ایرانی به دور مانده بود. در حقیقت در مناطق شرقی هند تأثیر زبان فارسی کمتر بود. از ۱۱۳۴ و در دوره

نواب محمدامین سعادت خان برهان‌الملک که ایرانی تبار و وابسته به سلسله صفویان بود، فرهنگ ایرانی و مذهب تشیع وارد اوده شد (ابواللیث صدیقی، ۱/ ۲۷، ۲۹). نواب اوده چون آصف‌الدوله، سعادت علی‌خان، غازی‌الدین حیدر و واجدعلی شاه باعلاقه‌مندی زیاد، به برگزاری محافل شعری پرداختند. در نتیجه شاعران اردوسرای شمال هند که پیش از این برای نشر ذوق ادبی خود به دکن سفر می‌کردند؛ متوجه اوده شدند و اوده به محلی برای تجمع شاعران و ادیبان اردو زبان تبدیل شد همزمان با این حوادث، حکومت بابریان در شمال هند رو به زوال رفت و شاعران که پادشاهان بابری را ناتوان از پرداخت هدیه و صلح دیدند به اوده مهاجرت کردند. شاعرانی چون، سودا، میر تقی میر، جرأت، انشالله‌خان انشاء، میرسوز و میرحسن با ترک دربار بابریان، به‌دربار حاکمان اوده رفتند و ویژگی‌های زبانی و ادبی دهلی را به اوده انتقال دادند (پرتو، ۲۴-۲۵).

در همین دوره بود که شاعران شیعی فرصت به‌دست آمده را مغتنم شمردند و اعتقادات و باورهای مذهبی خود را به‌ویژه در شعر، بیش از پیش بازگو کردند. مرثیه سرایی اردو که عقبه آن در دکن بود، این بار به‌صورت جدی‌تر، در اوده با بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی غنی‌تر شد و به‌سبب حاکمیت تشیع در اوده مراسم عزاداری برای امامان شیعه ائمه، به‌ویژه شهیدان کربلا، با شکوه بیشتر برگزار شد. مردم این خطه مرثیه را آیین مذهبی دانسته و آن را به‌مثابه هنر در ادبیات به‌کار بردند و مرثیه‌ها را هنرمندانه قرائت کردند. میرانیس، میرزا دبیر و میان‌بشیر از جمله مرثیه‌سرایانی بودند لکنه‌و را به‌عنوان مرکز مهم این گونه ادبی ساختند (ابواللیث صدیقی، ۱/ ۳۱). مرثیه‌های میربرعلی انیس (متوفی ۱۲۹۱) و سلامت‌علی دبیر (متوفی ۱۲۹۲)، از مهم‌ترین مرثیه‌های اردو در این دوره هستند (پرتو، ۲۳۰). نفوذ فرهنگ شیعی در اوده را از داستان‌های نوشته شده در سده چهاردهم می‌توان دریافت. رتن‌نات سرشار (رتن نات‌ه سرشار) که هندو بود، در داستان رمان گونه‌اش *فسانه آزاد* (۱۸۸۰-۱۱۸۶)، به‌هنگام بیان مفهوم فرهنگ لکنه‌و، با ریزینی آیین تشیع را بازگو کرده و میرزا هادی رسوا، در رمان شاهکارش، *امراؤ جان‌اد* (۱۸۹۹)، به توصیف آیین سوگواری محرم پرداخته است.

۶. مراکز علمی و آکادمیک تاثیرگذار در گسترش زبان اردو

انگلیسی‌ها برای چیرگی بر فرهنگ و زبان فارسی در هند، کوشیدند با ایجاد مراکز آموزشی و علمی، به تدریج زبان اردو را جانشین زبان فارسی کنند. کمپانی هند شرقی

که در آغاز ادعا می‌کرد که قد مداخله در مسائل دینی و فرهنگی را ندارد، علاوه بر کوشش برای تبلیغ مسیحیت، به ایجاد اختلاف میان مسلمانان و هندوها پرداخت. از این‌رو دانشمندان و نویسندگان اروپایی، بر زبان ترویج و گسترش زبان اردو تمرکز کردند. (احتشام حسین، ۱۳۹). یکی از اهداف تأسیس کالج فورت ویلیام^۱ در ۱۲۱۵ دسترسی به متون نثر اردو جهت آموزش اردو به افسران انگلیسی، بود. در این کالج بسیاری از متون ادبی و داستانی زبان فارسی توسط هندی‌ها به اردو ترجمه شد. این اقدام منجر به شکل‌گیری متون ادبی منسجم اردو و نهادینه شدن ترجمه در زبان اردو شد (یزدان منش، ساختار فورت...، ۱۳۲ ۱۳۶).

مدرسه غازی‌الدین که در ۱۲۰۶ با هدف آموزش علوم شرقی و زبان‌های فارسی و عربی تأسیس شد، در ۱۲۴۰ به کالج دهلی ارتقاء یافت. زبان این کالج، اردو بود و برای جبران کمبود کتاب‌های درسی به اردو، افزون بر تألیف، کتاب‌هایی با موضوعات مختلف به زبان اردو ترجمه شد (عبدالحق، ۱۴۰، ۱۴۷-۱۵۳). دانش‌آموختگان این کالج، مانند مولوی نذیراحمد، محمدحسین آزاد و مولوی ذکالله از مشهورترین نویسندگان اردو زبان بودند" (منگلوری، ۹۴-۹۶).

جامع عثمانیه نیز در نشر زبان اردو و گردهمایی عالمان اردو زبان مسلمان نقش مهمی داشت. این جامعه ابتدا در ۱۳۰۳ در حیدرآباد دکن به‌عنوان مرکز تحقیقی تأسیس و در ۱۳۳۵ به‌دانشگاه تبدیل شد. در ۱۳۳۶ زبان اردو را به‌عنوان زبان آموزشی دانشگاه عثمانیه شناخته شد با نظارت این دانشگاه، دارالترجمة عثمانیه تأسیس شد که در آنجا، ضمن آماده‌سازی کتاب‌های درسی، متون علمی بسیاری، از زبان انگلیسی به اردو ترجمه شد و اصطلاحات علمی اردو وضع شد (معین‌الدین عقیل، ۵۸۶).

۷. زبان اردو و سیاست

انگلیسی‌ها پس از تسلط بر هند، در صدد زدودن نشانه‌های حکومت بابرینان و کم‌رنگ ساختن عظمت سلطنت آن‌ها در ذهن و اندیشه مردم بودند و این سیاست را با کاستن وابستگی مردم به زبان فارسی آغاز کردند. آنها از یک سو زبان فارسی را از دادگاه‌ها حذف کردند و از سوی دیگر به حکومت‌های ایالتی اجازه داد که به جای فارسی، زبانهای ایالتی، به‌عنوان زبان رسمی استفاده شود. در نتیجه چنین اقداماتی، به‌نظر می‌رسد تا

۱۲۵۳ زبان اردو به عنوان زبان رسمی، جای فارسی را گرفت (شمس الدین صدیقی، ۱۸/ ۱۹، ۴۷). به گونه‌ای که در دوره آصفجاییان (حک ۱۱۳۶ - ۱۳۶۰) نیز زبان اردو به زبان اداری تبدیل شد و اهمیت بسیاری پیدا کرد (هاشمی، ۵۴۵ - ۵۴۶).

همچنین، از نیمه دوم سده سیزدهم، هندوها، در صدد جایگزین کردن زبان باشا^۱ و رسم-الخط دوناگری^۲ به جای زبان اردو و فارسی در دادگاه‌های دولتی بودند. در چنین شرایطی، مسلمانان برای حفظ زبان اردو به تکاپو افتادند و بدین ترتیب زبان اردو به طور ویژه زبان مسلمانان شد و هندوها افزون بر مخالفت با مسلمانان با زبان اردو نیز به ستیز برخاستند و بسیاری از متون فارسی و عربی به زبان اردو ترجمه شد. مسلمانان نیز برای حفظ هویت و موارث فکری و دینی خود، به تبلیغ و ترویج زبان اردو پرداختند و به ایجاد انجمن‌ها و مؤسسه‌هایی چون انجمن حمایت از زبان اردو^۳ همت گماشتند (حسن اختر ۳۰ - ۳۱).

به رغم اینکه اردو زبانان، برای حفظ زبان اردو که نشان از هویت اسلامی آن‌ها داشت می‌کوشیدند، از سده سیزدهم، دو دیدگاه در قبال این زبان شکل گرفت. براساس دیدگاه نخست زبان اردو به عنوان زبان اسلامی، مسلمانان را از پیروان سایر ادیان هند متمایز می‌کرد. از جمله طرفداران این دیدگاه سرسید احمدخان بود. نارنگ تأثیر دیدگاه سرسید را فراتر از محدوده زمانی وی می‌داند و معتقد است که وی مسیر تاریخی اتحاد ملی را گسست و نظریه ملت مستقل اسلامی را ارائه داد که پیوستگی با تفرقه تدریجی و سرانجام تجزیه شبه قاره هند را به همراه داشت (نارنگ، ۳۲۵). دیدگاه دوم بر این موضوع تأکید می‌کرد که با زبان اردو با زبان هندی اشتراکات بسیار دارد و از این رو هردو زبان در کنار هم می‌توانند با هدفی مشترک در حفظ منافع مردمان هند، همگام باشند. از جمله طرفداران این رویکرد عبدالحق بود که زبان اردو را موجب اتحاد مردم شبه قاره هند، اعم از مسلمان و هندو می‌دانست (شجاع احمد، ۱۴۴). در نهایت در ۱۳۵۵ در نشست انجمن ادبی سراسر هند^۴ در ناگپور ایالت مهاراشترا، که به ریاست ماهاتما گاندی برگزار شد، مولوی عبدالحق برای زبان اردو، عنوان «اردو» و گاندی عنوان «هندوستانی» را پیشنهاد کردند. سرانجام تصمیم بر آن شد زبانی که به خط نستعلیق نوشته می‌شود، اردو و زبانی که به خط دیوناگری نوشته می‌شود، هندی نامیده شود. پیام این نشست از سرگیری اختلاف بر سر دو زبان و تشکیل کنفرانس سه روزه «اردو»

1. Bhasha

2. Devangari

3. Urdu Defense Society

4. Akhal Bharatiya Sahitya

در علیگره بود. سرانجام، بیانیه مشترکی میان راجندر پراشاد و عبدالحق منتشر شد که در آن برای حل اختلاف مسئله اردو و هندی، توافق شد که زبان هندی و اردو هر دو به رسمیت شناخته شوند (زاهدی، ۱۹۱). اما روند ستیز بین دو زبان، همچنان ادامه یافت و طرفداران هر دو زبان در پی تثبیت جایگاه زبان خود در هند بودند. سرانجام اسلامی در حزب کنگره ملی هند^۱ و مسلم لیگ^۲ به دفاع از این زبان پرداختند. شخصیت‌هایی مانند ابوالکلام آزاد، مولانا محمدعلی جوهر، حکیم اجمل‌خان، مختار احمد انصاری و محمد علی جناح برای پاسداری از زبان اردو به این زبان سخنرانی می‌کردند. سخنرانی‌های پر جوش ابوالکلام آزاد به زبان اردو، از شهرت بسیاری برخوردار است. در بطن این سخنرانی‌ها، حمایت از جامعه اسلامی نهفته بود و همگی در صد دفاع از حقوق مسلمانان و متحد کردن آنها، بودند (صدیق، ۳۷۹؛ عقیل، ۲۳۲).

۸. تأثیر قیام سراسری مسلمانان هند بر زبان اردو

در شورش سراسری مسلمانان در ۱۲۷۳/۱۸۵۷ که در اردو به جنگ غدر و در فارسی به موتینی^۳ (شورش نظامیان) نیز مشهور شد، مسلمانان به‌توسط دولت بریتانیا سرکوب شدند. با توجه به اینکه بریتانیا مسلمانان را مسئول اصلی این شورش می‌دانست، پس از این قیام مسلمانان در شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دشوارتری نسبت به هندوها قرار گرفتند. مسلمانان برای جبران این شرایط کوشیدند تا به احیای اندیشه‌های اخلاقی، دینی و سیاسی خود روی آوردند و از زبان اردو برای ترویج این اندیشه‌ها استفاده کنند. اما حامیان هندی، نسبت به اهمیت زبان اردو بی‌تفاوتی نشان دادند و این ضربه‌ای برای مسلمانانی بود که به‌سبب تحولات تاریخی، از زبان‌های فارسی و عربی فاصله گرفتند و زبان اردو را به‌عنوان زبان فرهنگی خود پذیرفتند (نارنگ، ۳۲۲-۳۲۳). شاعران و ادیبانی چون نواب میرزا شیفته، امام بخش صهبایی و منیر شکوه‌آبادی، به‌سبب نوشته‌های اعتراض آمیز، مجازات‌های سنگینی متحمل شدند. افزون بر شعرا و ادبا، زبان اردو در این شورش، به‌طور عملی شرکت کرد و نقش خود را در فرامین پادشاه و نیز نامه‌ها، فتواهای جهاد و اعلامیه‌ها و بیانیه‌های ضد استعماری ایفا کرد (معین الدین عقیل، ۱۵۵).

1 . Indian National Congress

2 .All.Indian Muslim League

3. Mutiny

شورش مسلمانان سراسر هند، موجی از اندیشه‌های نوگرایانه پدید آورد که نمود بارز آن را می‌توان در نهضت علیگره که سرسید احمد خان آن را پی افکند، مشاهده کرد (انورسدید، ۳۰۴). سرسید، با رویکرد اصلاحی، در ۱۳۰۳ / ۱۸۸۶ کنگر آموزشی مسلمانان^۱ را تأسیس کرد. این کنگره، فراخوانی عمومی با عنوان «انجمن خواستار تعلیم مسلمانان» در سراسر هند داد. در این فراخوان، این پرسش مطرح شد که برای پیشرفت مسلمانان در هند چه راهکارهایی پیشنهاد می‌شود؟ برای ایجاد انگیزه به منظور پاسخ دادن به این سؤال که باید به زبان اردو می‌بود، جوایز نقدی و برای بهترین پاسخ‌ها، پاداش جداگانه در نظر گرفته شد. نهضت علیگره توانست با بهترین شیوه به‌کارگیری زبان اردو و اقدامات اجرایی، مسیر پیشرفت مسلمانان را هموارتر کند. سرسید اقدامات اصلاحی دیگری را نیز انجام داد. وی با تأسیس مدرسه‌العلوم و نشریه تهذیب/الاخلاق در پی ایجاد بیداری در میان مسلمانان هند بود و می‌کوشید میان اندیشه‌های جدید و سنتی پیوند ایجاد کند (جالبی، ۴ / ۸۶۷). مهمترین اقدام نهضت علیگره دگرگونی در ادبیات منثور زبان اردو بود. اعضای این نهضت برای پیشبرد هدف اصلاحی خود، قالب‌های نثری اردو را برای نخستین بار پدید آوردند (مشتاق، ۱۳۱-۱۳۲) نذیراحمد دهلوی در رمان‌های خود به حقوق پایمال شده زنان مسلمان و تأکید بر آموزش آنان، تربیت جوانان و پرهیز از تقلید کورکورانه از غرب پرداخت. شبلی نعمانی در شعر/العجم ضمن نقد و نگاه تاریخی بر شعر فارسی، بر تأثیر اسلام بر ادبیات فارسی تأکید کرد. به باور وی، ورود اسلام به ایران و نفوذ در بافت فکری مردم آن، سبب دگرگونی در شعر فارسی شد و تبلور عناصر مذهبی در ادبیات فارسی موجب شکوفایی آن گردید (شبلی، ۲ / ۱).

در کنار آموزه‌های اسلامی، فراگیری زبان انگلیسی و آشنایی با فرهنگ، اندیشه و ادبیات غرب، سرلوحه بسیاری از رجال سیاسی و ادبی آن عصر بود. در نتیجه به تدریج تمایل به‌نوگرایی در میان شاعران و نویسندگان اردو به‌وجود آمد (سکسینه، ۲۹۴-۲۹۵). در این میان انجمن پنجاب که جنبشی منسجم و فعال در این زمینه بود و با همت محمدحسین آزاد و همکاری لایتر^۲ در لاهور در ۱۲۹۱ / ۱۸۷۴ تشکیل شد، نقش مهمی ایفا کرد. افزون بر آزاد، الطاف حسین حالی نیز در سروده‌های خود، در پی اصلاح وضع مسلمانان بود و و برای ایجاد تغییر در نگاه به زن و یادآوری ارزش‌های اسلامی، اشعار بسیاری سرود. برخی از مثنوی‌های وی در منابع درسی دانشگاهی به چاپ رسید.

1. Muhammad Educational Conference

2. Leiter

از جمله سرود «مسدس مد و جزر اسلام» وی در ۱۲۹۶/۱۸۷۹ در ارتقای بینش اسلامی مردم تأثیر بسزایی داشت. مسدس حالی، شعری با درونمایه مذهبی و کوشش برای بیداری مسلمانان است که در بستر فرهنگ هندی سروده شد و بازتابی گسترده در شعر اردو و شکل‌گیری نهضت پان‌اسلامی داشت (چنگیزی، ۶۵-۶۶).

در سده چهاردهم/بیستم شعر اردو، که به شدت از حوادث سیاسی و اجتماعی، تأثیر پذیرفته بود، گامی دیگر برای ایجاد تنوع در ادبیات و آگاهی‌بخشی به مردم، به‌ویژه مسلمانان، برداشت. رویدادهایی چون تخریب مسجد کانپور^۱ و جلیانوالا باغ^۲ (جلیانواله)، بسیاری از شاعران مانند، شبلی نعمانی، ابوالکلام آزاد، ظفر علی خان و حسرت موهانی را علیه انگلیسی‌ها برانگیخت و در اشعار آنها نمودی کامل یافت. هرچند، این سروده‌ها از ارزش ادبی بسیاری برخوردار نبودند، اما سرآغازی پیوستن شاعران اردوسرای به‌نهضت آزادی هند شد. در این سروده‌ها، نظام سرمایه‌داری انگلیسی، نکوهش شد و مردم به‌تکاپو برای آزادی دعوت شدند (نارنگ، ۳۵۵). برخی از شاعران اردو زبان، با لحنی طنزآلود، انگلیسی‌ها و غرب‌زدگان را مورد تمسخر قرار دادند. اکبر اله‌آبادی بود سرآمد این شاعران بود که با روحیه مذهبی، بهترین راه اصلاح مردم را تقویت بینش اسلامی و جلوگیری از غربزدگی می‌دانست. بدین ترتیب زبان و ادبیات با احساس وطن‌دوستی و مبارزه با استعمار درهم‌آمیخت. سروده‌های شاعرانی چون اقبال، برج‌نراین چکبست، اسماعیل میرتهپی و عظمت‌الله خان که محتوای وطن‌خواهانه داشتند، مورد استقبال عموم مردم قرار گرفت. اگرچه اقبال در سروده‌های خود مسلمانان را مخاطب قرار می‌دهد، ولی با مطالعه عمیق سروده‌هایش می‌توان استنباط کرد که هدف وی فراتر از گریستن برای وضع اسفناک مسلمانان یا تبلیغ اسلام است، تلاش وی برای از بین بردن استعماری بود که در روح و جسم مسلمانان رسوخ کرده بود (چنگیزی، ۷۵). اقبال لاهوری با آموزش خودآگاهی، ترویج آزادی‌خواهی و تشویق به عمل به تعالیم دینی توانست جرقه‌هایی در اذهان ایجاد کند. ظفر علی‌خان نیز شاعری بود که با تأکید بر اتحاد اسلامی، با سروده‌هایش به‌زبان اردو در جهت‌گیری افکار مردم نقش بسزایی داشت (معین‌الدین عقیل، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۰).

۱. تخریب بخشی از مسجد کانپور برای ساخت خیابانی در رمضان ۱۳۲۱ق/ اوت ۱۹۱۳ روی داد که سبب خشم مسلمانان شبه قاره شد.

۲. یاغی در امرتسر که در ۱۳ آوریل ۱۹۱۳، نزدیک بیست هزار نفر هندی در آنجا در اعتراض به استعمار انگلستان تجمع کردند و بیش از هزار نفر با شلیک گلوله بریتانیایی‌ها کشته شدند.

رویداد جنگ جهانی اول (۱۳۳۲-۱۳۳۶ / ۱۹۱۴-۱۹۱۸)، نیز در اندیشه و نوشته‌های شخصیت‌های مسلمان شبه قاره هند تأثیر بسزایی داشت. پس از این واقعه، نام‌آوران اهل قلم، در حمایت از اسلام، نوشته‌های عالمانه بسیاری نگاشتند و برای گستراندن آموزش‌های قرآنی تلاش کردند. از جمله این افراد می‌توان به سیدسلیمان ندوی، اشرف‌علی تهانوی ابوالکلام آزاد و عبدالماجد دریابادی اشاره کرد که در موضوع‌هایی چون سیرت نبوی، شریعت اسلام، تاریخ و تمدن اسلام، ترجمه قرآن به اردو و تفسیر قرآن قلمفرسایی کردند (شمس‌الدین صدیقی، ۱۰ / ۱۴). زبان اردو در نهضت‌های مختلف مذهبی و سیاسی چون جنبش خلافت و استقلال پاکستان نیز نقش مهمی داشت (معین‌الدین عقیل، ۲۳۵، ۲۴۷).

۹. نشریه‌های اردو زبان

در سده سیزده قمری. نشریه‌های اردو زبان یکی پس از دیگری راه‌اندازی و منتشر و مورد استقبال قرار مسلمانان گرفتند. *جام جهان نما* در ۱۲۳۸ در کلکته، نخستین اطاق خبر اردو به‌شمار می‌آورد. روزنامه *دهلی اردو اخبار* که در ۱۲۵۱، به توسط مولانا محمدباقر راه‌اندازی شد در واقع تلاشی برای بیداری و آگاه‌سازی مسلمان هند نسبت به ظلم و ستم انگلیسی‌ها بود. نشریه‌های دیگری نیز در نقاط مختلف هند به‌زبان اردو به‌چاپ رسیدند. بریتانیایی‌ها، این نشریه‌ها را در ایجاد شورش سراسری مسلمانان هند دخیل می‌دانستند و از این‌رو بسیاری از آنها را توقیف و سردبیرانشان را مجازات کردند. مولوی محمدباقر بنیان‌گذار نشریه *دهلی اردو اخبار* را به‌دار آویختند؛ جمیل هجر، سردبیر روزنامه *صادق‌ال‌اخبار* محکوم به حبس شد و روزنامه *پیام آزادی* توقیف شد و سردبیر آن بیداربخت، محکوم به مرگ شد (عارف عزیز، ۲۰۱۷). اما این اقدامات مانع رشد و شکوفایی نشریات اردو زبان نشد و پس از سرکوبی شورش مسلمانان، نشریات زیادی در شهرهای گوناگون چون علیگره و لکنهو راه‌اندازی شد. در آغاز سده چهاردهم/بیستم، حسرت موهانی و ظفرعلی خان در نشریه‌های خود *اردوئے معلی* و *زمیندار*، مطالبی به نظم و نثر درباره آزادی منتشر کردند. محمدعلی جوهر در *همدرد* (چاپ دهلی)؛ جواهر لعل نهرو در *قومی آواز* (چاپ لکنهو) و دیگر آزادی‌خواهان در نشریه‌های مختلف، به انتشار اخبار حوادث سیاسی روز لزوم مبارزه با استعمار و در حمایت از نهضت‌های آزادی‌خواهانه پرداختند. برخی از نشریات نیز در حمایت از

تشکیل کشور مستقل اسلامی مطالبی منتشر کردند، مشهورترین آن زمیندار بود که از کشاورزان حمایت می‌کرد (شیخ، ۲۰۱۷).

نتیجه‌گیری

با نفوذ اسلام در شبه قاره هند، مسلمانان هر خطه، برای زبان محلی خود، رسم الخط فارسی یا عربی را برگزیدند و از آنجا که زبان اداری و علمی مسلمانان شبه قاره، فارسی بود، زبان‌های محلی، تحت تأثیر فارسی قرار گرفتند. از تلفیق و امتزاج زبان‌های فارسی و عربی با زبان‌های محلی رایج در هند، زبان اردو پدیدار شد. این زبان با تکیه بر زبان فارسی و اخذ عناصر اسلامی به تدریج رشد کرد و بالید و به عنوان زبان بسیاری از سیاستمداران و عالمان مسلمان تبدیل شد و در نهایت جای زبان فارسی را گرفت. در دوره استعمار بریتانیا در شبه قاره و ضعف حکومت‌های مسلمان، زبان اردو به یکی از نکات افتراق و اختلاف مسلمانان و هندوها و مسلمانان و بریتانیایی‌ها تبدیل شد. مسلمانان در دوره مبارزه علیه استعمار بریتانیا، زبان اردو را به عنوان زبان مشترک و متفق علیه خود می‌شناختند و برای صیانت از آن می‌کوشیدند. رجال سیاسی و مذهبی از بیم اینکه در آینده نزدیک اقتدار هندوها جایگزین حکمرانی انگلیسی‌ها شود، برای کسب قدرت پیشین خود، به تشکیل کشور اسلامی مستقل اندیشیدند. از آنجایی که زبان اردو، وجه مشترک تمام مبارزان مسلمان بود، در توسعه اسباب ملی‌گرایی و آگاهی بخشی به مسلمانان، نقش مهمی ایفا کرد. تا جایی که تمام نهضت‌ها و جنبش‌های سیاسی و ادبی، به رغم اختلافات فکری، زبان اردو را ابزار اصلی برای نیل به هدف می‌دانستند. از این رو زبان اردوی که نخست تنها زبانی ادبی شناخته می‌شد، در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و علمی نیز طرفدارانی پروپا قرص یافت و موجب ایجاد همگرایی مسلمانان در زمینه‌های مختلف از جمله مبارزه با استعمار بریتانیا و تشکیل کشور مستقل پاکستان شد.

منابع

احتشام حسین، *اردو ادب کی تنقیدی تاریخ*، چاپ هفتم، نئی دهلی: قومی کونسل برائے فروغ اردو، ۲۰۰۹.

انور سدید، *اردو ادب کی تحریکی*، کراچی: انجمن ترقی اردو، چاپ ششم، ۲۰۰۷.

- پرتو، لکھنوی، **لکھنو مرکز زبان و ادب**، بمبئی: دبستان آرزو، ۱۹۸۴۔
- جالبی، جمیل، **تاریخ ادب اردو**، ج ۴، لاہور: مجلس ترقی ادب، چاپ اول، ۱۹۹۴-۲۰۱۲۔
- چنگیزی، اسلام بیگ، **ایشیائی بیداری اور اردو شعرا**، الہ آباد: ادارہ انیس اردو، چاپ اول، ۱۹۶۱۔
- حسن اختر، **بابا قوم اور قومی زبان**، در **منتخبات اردو نامہ** (مجلس زبان دفتری پنجاب)، اسلام آباد: مقتدرہ قومی زبان، چاپ اول، ۱۹۸۸۔
- زاہدی، سید مقصود، «بابائے اردو ڈاکٹر عبدالحق»، در **بابائے اردو مولوی عبدالحق**، بہ کوشش سید معراج، لاہور: گنج شکر پریس، ۲۰۰۲۔
- سکسینہ، رام بابو، **تاریخ ادب اردو**، ترجمہ مرزا محمد عسکری، لاہور: سنگ میل پبلی کیشنز، ۲۰۰۴۔
- شبلی نعمانی، **شعر العجم**، اعظم گڑھ: مطبوعات پریس، ۱۳۳۹۔
- شجاع احمد، «مولوی عبدالحق اور اردو کالج کراچی»، در **مولوی عبدالحق ادبی اور لسانی خدمات**، جلد اول، چاپ خلیق انجم، نئی دہلی: انجمن ترقی اردو، ۱۹۹۲۔
- شیخ، فوزیہ، **تحریک آزادی میں صحافت کا کردار**، ۱۵ اکتبر ۲۰۱۷ در www.Nawaiwaqt.com
- صدیق، کلیم، "معاشرتی اور ادبی پس منظر"، در **تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و ہند**، دسویں جلد، لاہور، پنجاب یونیورسٹی، چاپ اول، ۱۹۷۲۔
- صدیقی، ابواللیث، **لکھنو کا دبستان شاعری**، کراچی: غضنفر اکیڈمی پاکستان، ۲۰۰۲۔
- صدیقی، شمس الدین، «سیاسی، فکری، معاشرتی اور تہذیبی پس منظر»، در **تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و ہند**، آٹھویں جلد، لاہور: پنجاب یونیورسٹی، (۱۸۵۷-۱۸۰۳)، ۱۹۷۱۔
- ہمو، «سیاسی، فکری، معاشرتی اور تہذیبی پس منظر»، در **تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و ہند**، دسویں جلد، اردو ادب، لاہور: پنجاب یونیورسٹی، (۱۹۱۴-۱۰۷۲)، ۱۹۷۲۔
- ظفر، ادیب، **اردو زبان کا قومی کردار**، نئی دہلی: انجمن ترقی اردو، چاپ اول، ۱۹۷۶۔
- عارف عزیز، **تحریک آزادی میں اردو صحافت کا کردار**، ۱۵ اکتبر ۲۰۱۷، در www.fikrokhbar.com
- عبدالحق، مولوی، **اردو کی ابتدائی نشوونما مین صوفیائی کرام کا کام**، دہلی: انجمن ترقی اردو ہند، چاپ دوم، ۱۹۳۹۔
- ہمو، **مرحوم دہلی کالج**، کراچی: انجمن ترقی اردو، چاپ سوم، ۱۹۶۲۔
- غلام حسین، ذوالفقار، «اردو کی پیدائش اور ارتقا»، در **تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و ہند**، جلد ششم، لاہور: پنجاب یونیورسٹی، ۱۹۷۱۔

فاروقی، شمس الرحمن، **اردو کا ابتدائی زمانہ ادبی تہذیب و تاریخ کے پہلو،** کراچی: آج، چاپ سوم، ۲۰۰۹ء.

مشتاق، احمد، **سرسید کی نثری خدمات،** دہلی: ایجوکیشنل پبلشنگ ہاؤس، ۱۹۶۱ء.
معصومی، محسن، **فرہنگ و تمدن ایرانی - اسلامی دکن در دورہ بہمنیان،** تہران: شرکت انتشارات علمی و فرہنگی، چاپ اول، ۱۳۸۹ء.

معین الدین عقیل، **تحریک آزادی میں اردو کا حصہ،** لاہور: مجلس ترقی ادب، چاپ اول، ۱۴۲۹/۲۰۰۸ء.

ملک حسن، اختر، **اردو شاعری میں ایہام گوئی کی تحریک،** لاہور: یونیورسٹی بکس، ۱۹۸۶ء.
منگلوری، ممتاز "دلی کالج کی علمی خدمات"، **در تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و ہند،** اردو ادب (سوم) (۱۸۰۳-۱۸۵۷)، آٹھویں جلد، لاہور: پنجاب یونیورسٹی، چاپ اول، ۱۹۷۱ء.
نارنگ، گوپی چند، **ہندوستان کی تحریک آزادی اور اردو شاعری،** نئی دہلی: قومی کونسل برائے فروغ اردو، چاپ اول، ۲۰۰۳ء.

ہاشمی، نصیرالدین، **دکن میں اردو،** نئی دہلی: قومی کونسل برائے فروغ اردو، چاپ دوم، ۲۰۰۲ء.

یزدان منش، وفا، "تاثیر زبان، شعر و فرہنگ فارسی بر غزل اردو"، **در مجموعہ ہمایش بررسی پیوندہای فرہنگی - ادبی ایران و ہند، با تاکید بر جایگاہ ہمدان،** ہمدان: دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۹۱ء. (صص ۵۷۰-۵۸۰)

ہمو، "ساختار فورت ویلیام کالج و عملکرد آن با رویکرد نثر اردو و زبان فارسی"، **در فصلنامہ مطالعات شبہ قارہ،** دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال چہارم، شماره دوازدهم، پاییز ۱۳۹۱ء، (صص ۱۳۱-۱۴۵)

پژوہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی